

آسیب‌شناسی عملکرد خلفای سه گانه بر اخلاق اجتماعی مسلمین با تکیه بر نهج البلاغه

مصطفی دلشاد تهرانی^۱

مزگان حامی^۲

چکیده

پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، وقایعی در حکومت اسلامی رخ داد، که در اثر آن مسلمین به انواع آسیب‌های اخلاقی مبتلا شدند. زور گویی، بی بصیرتی، قدرت طلبی، و ناهنجاری‌های اخلاقی از جمله آسیب‌هایی بود که با ماجرای سقیفه جان تازه‌ای یافت و در دوره‌ی خلفا نهادینه شد. بدین سبب، امر هدایت جامعه، با موانع و مشکلاتی روبرو شد. این مقاله با روش تحقیق کتابخانه‌ای و به روش متن پژوهی، آموزه‌های امام علی (علیه السلام)، در نهج البلاغه را استخراج، دسته‌بندی و تحلیل نموده است. نتایج حاصله نشان داد که ریشه‌های آسیب‌های اخلاقی عملکرد خلفا، بسیار عمیق بوده، و هسته‌ی آغازین آن با ماجرای سقیفه شکل گرفت و ریشه‌ی معضلات دوران حکومت عدل محور امام علی شد.

واژگان کلیدی:

آسیب‌شناسی اخلاق اجتماعی، کارکرد خلفا، مردم، حکومت امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه.

۱. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران Delshad tehrani@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری نهج البلاغه (نویسنده مسئول) Mozghan.hami67@gmail.com

مقدمه

اخلاق اساسی‌ترین و مهم‌ترین اصلی است که، زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را تحت تاثیر قرار داده است و به آن جهت می‌بخشد. اهمیت این موضوع تا به حدی است که می‌توان تکامل یا سقوط ملت‌ها را با ارزش‌های اخلاقی به طور کامل مرتبط ساخت؛ و عملکرد رهبران اجتماعی در جامعه را امری تاثیرگذار در سعادت یا شقاوت یک ملت دانست.

با توجه به این امر، در منابع حدیثی، نکات فراوانی ناظر بر عملکرد خلفای سه‌گانه، بر آسیب اخلاق اجتماعی مردم یافت می‌شود، ولی تاکنون با فقدان پژوهش تحلیلی در مورد این دسته از روایات مواجه هستیم. از این رو در این مقاله، به بررسی دوران پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله)، و عملکردها و موضع‌گیری‌های برخی سران پرداخته شده است، که به دلایل متعددی، خاصه عوامل اقتصادی و اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را دچار انحرافات شدیدی کردند. زیرا در دوران خلفا، به خاطر سوء تدبیرهای مکرر، آسیب‌های اخلاقی بسیاری بر مسلمین تحمیل گشت. («تحلیلی بر داده‌های آثار شیخ مفید در باره خوارج»، مقالات فارسی کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، شم ۶۷، ۱۳۷۲ش/۱۹۹۳م).

اهمیت دریافت این آسیب‌شناسی افزون بر شناخت ریشه‌های تاریخی عدم همکاری مسلمانان _علیرغم بیعت خودخواسته با امام علی علیه السلام_ اما رویکردی امروزی نیز دارد. می‌توان در پرتو این نگرش، عملکرد دولت اسلامی را در فرهنگ‌سازی جامعه مسلمین، به‌عنوان اصلی فرامرزی و فرامکانی مورد توجه قرار داد.

تحقیقاتی نیز در این زمینه انجام شده، همانند: بررسی عملکرد کارگزاران خلفای سه‌گانه، از عروج حیدر، و بررسی افکار و عملکرد خلیفه اول در زمان خلافت، از محمد رضا فلاح. که رویکرد این پژوهش‌ها با مقاله‌ی حاضر متفاوت است.

۱- بدعت‌های عصر خلفا

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در حجه‌الوداع، امام علی علیه السلام را به جانشینی پس از خویش منصوب کرد. اما پس از رحلت ایشان، گروه‌ها و افرادی که تمایلی به این انتصاب نداشتند و صرفاً به ظاهر پذیرفته بودند، با شبهه‌افکنی‌های بسیار، افکار مردم را به سمتی دیگر سوق دادند، و سرآغاز تفرقه و شکاف بین مسلمانان را ایجاد نمودند. (خاکنند، ۱۳۷۲؛ ص ۲۶-۲۷. به



نقل از (۱۳۶۲؛ ص ۲۰۱). همین امر منشأ پیدایش راه و رسم‌ها و روابطی شد که در آن، اثری از دین و ایمان حقیقی وجود نداشت. سلوکی کاملاً برخلاف سیره و سنت نبوی (صلی الله علیه و آله) و از جنس بدعت بود. این وقایع، و در ادامه عملکرد خلفای سه‌گانه، تحولات نادرستی را در سیاست، اقتصاد، و فرهنگ جامعه‌ی اسلامی ایجاد نمود، که تاثیر نامطلوبی در اخلاق اجتماعی مردم داشت، و عاملی شد تا آسیب‌های اخلاقی بسیاری گریبان‌گیر مسلمین گردد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲؛ ص ۹۲).

۱-۱- تاثیر تحولات نادرست سیاسی، بر اخلاق اجتماعی مسلمین

جو حاکم در عصر خلفا، تغییرات بنیادی بسیاری را در جریان‌ات سیاسی حکومت اسلامی ایجاد نمود، که در نتیجه‌ی آن حکومت بر همه چیز تقدم یافت، زورگویی و حریم شکنی عادی شد، و قدرت خواهی و ظلم پروری گسترش یافت.

۱-۱-۱- تقدم یافتن حکومت

قدرت طلبان و مکنت جویان، در دوران ۲۵ ساله‌ی خلافت خلفای سه‌گانه، حفظ حکومت و توسعه‌ی آن را بر هر چیزی مقدم می‌دانستند، و برای آن به هر عمل زشت و قبیحی دست می‌زدند. از این رو علیرغم مغایرت با سیره‌ی نبوی (صلی الله علیه و آله)، اما در اثر آن، اندیشه‌ی سیاسی نوینی شکل گرفت که اگرچه در تعارض با سنت بود، اما حفظ حکومت در آن اصل فرض شد و بر همه چیز تقدم یافت و ارزش‌های الهی چون انسانیت، اخلاق، و دین فرع بر آن قرار گرفت. به این دلیل که تعریف حکومت از نظر حاکمانی که در این دوران قدرت را در دست گرفتند، اینچنین بود: اخلاق و سیاست با یکدیگر جمع نمی‌شوند، و هدف وسیله را توجیه می‌کند، و هر روشی برای رسیدن به هدف، هر چند پست، مطلوب است و مهم‌تر اینکه حکومت برای حفظ و تأمین منافع شخصی است نه چیز دیگر. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰؛ ج ۲، صص ۴۵۵-۴۵۶).

از این رو در راستای تحقق مقاصد خویش، تا حد امکان انسان‌های شایسته و صالح را از حکومت دور نگه داشتند، تا مبادا با ورود آنها به سیاست، موقعیتشان به خطر بیفتد و در ادامه با انتخاب افراد ناشایست و بی‌اعتقاد، در مناصب مهم دولتی پیامدها و آسیب‌های جبران

ناپذیری به حکومت و جامعه‌ی اسلامی وارد آوردند. امویان از پر خطرترین احزابی بودند که در دوران خلیفه‌ی اول و دوم، راه سلطه‌ی کشوری و منطقه‌ای هر چند محدود به رویشان گشوده شد، و با روی کار آمدن خلیفه‌ی سوم فضا را مناسب‌تر دیدند، و به طور کامل بر حکومت مسلط شدند. آنها قدرت را در خدمت تامین منافع خویش به کار گرفتند، و به چیزی جز حفظ قدرت در خاندان اموی فکر نمی‌کردند. (علایی، ۱۳۷۴؛ صص ۱۲۸-۱۲۹).

امام علی علیه السلام درباره‌ی حکمرانی ناهلان می‌فرماید:

«و همانا دانستید که: سزاوار نیست بخیل بر ناموس و جان و غنیمت‌ها و احکام مسلمانان ولایت یابد؛ و امامت آنان را عهده‌دار شود تا در مال‌های آنها حریص گردد؛ و نه نادان تا به نادانی خویش مسلمانان را به گمراهی برد؛ و نه ستمکار تا به ستم عطای آنان را ببرد؛ و نه بی‌عدالت در تقسیم مال تا به مردمی بیخشد، و مردمی را محروم سازد؛ و نه آن که به خاطر حکم کردن رشوت ستاند تا حقوق را پایمال کند و آن را چنانکه باید نرساند؛ و نه آن که سنت را ضایع سازد، و امت را به هلاکت در اندازد»؛ (نهج البلاغه، کلام ۱۳۱؛ شهیدی، ۱۳۶۸)

آنچه که امام علی علیه السلام در این خطبه بیان می‌دارند، نتیجه‌ی سروری ناهلان بر مسلمین و حکومت اسلامی است. همانند همان اتفاقی که در دوره‌ی قبل از ایشان رخ داد، زیرا اشخاصی که در زمان ابوبکر در امور سیاسی به کار گرفته نشدند، در زمان عمر به طور محدود از آنها استفاده شد، و در زمان عثمان به اشغال مناصب مهم پرداختند، و همین امر یکی از علل اصلی خرابی و فساد اوضاع جامعه شد. از بارزترین پیامدهای این روش سیاسی، شورش مردم علیه عثمان بود، که منجر به مرگ او شد. (هیندز، ۱۳۸۱؛ صص ۱۲)

۱-۱-۲- عادی سازی زورگویی و حریم شکنی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تمام تلاش خویش را در معرفی اسلام آنگونه که بود، به کار بست، تا به مسلمین بفهماند، توسل به زور و ستمگری برای رسیدن به حکومت، در دین اسلام فاقد مشروعیت و اعتبار است. اما با رحلت ایشان، این امر دستخوش تغییر و تحولات اساسی گشت، و زورگویی و حریم‌شکنی امری عادی و لازم در حکومت تلقی گردید،

و منطلق جاهلی «الحق لمن غلب؛ حق از آن کسی است که چیره شود» بار دیگر احیا گشت. سرکردگان سقیفه برای نابودی مخالفت گروه‌ها و اشخاص، از هرگونه ابزار زور و ستم استفاده کردند تا بتوانند بدون هیچ وقفه‌ای، حکومت را به ناحق تصاحب کنند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲؛ صص ۱۰۷-۱۰۹). حضرت علی علیه السلام در رابطه با ستمگری ایشان می‌فرماید:

«بار خدا یا از تو بر قریش یاری می‌خواهم که پیوند خویشاوندیم را برینند، و کار را بر من واژگون گردانیدند و برای ستیز با من فراهم گردیدند در حقی - که از آن من بود نه آنان - و بدان سزاوارتر بودم از دیگران، و گفتند حق را توانی به دست آورد، و توانند تو را از آن منع کرد. پس کنون شکیباً باش افسرده یا بمیر به حسرت مرده»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۷).

۱-۱-۳- گسترش قدرت‌طلبی، ستم‌گرایی و خودکامگی

قدرت‌طلبی و خودکامگی سیاسی با وقایع سقیفه اتفاق افتاد، گسترش یافت و با گذشت زمان در دوران خلیفه‌ی سوم به اوج خود رسید. امام علی علیه السلام درباره‌ی عملکرد خودخواهانه‌ی آنها فرمود:

«پس بدان! که خود سرانه خلافت را عهده‌دار شدند، و ما را که نسب برتر است و پیوند با رسول خدا (ص) استوارتر، به حساب نیاوردند، خودخواهی بود. گروهی بخیلانه به کرسی خلافت چسبیدند، و گروهی سخاوتمندانه از آن چشم پوشیدند، و داور خداست و بازگشتگاه روز جزاست»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۲).

سلطه‌گری پرورش یافته پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به حدی بود که در عصر خلفا به هیچ یک از بنی هاشم مسئولیت سیاسی واگذار نشد، و هنگامی که خلیفه‌ی دوم در جایی از راز این خودکامگی که نسبت به بنی هاشم داشته‌اند، پرده برمی‌دارد، می‌گوید: می‌ترسم که مبدا مقداری از آنچه را خدا در قرآن برای خویشان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از خمس غنائم واجب کرده، بردارند و نیز اگر آنان والی شهرها شوند مردم به سبب خویشاوندی آنان با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به سویشان خواهند

۱. نک به: البلاذری، ۱۴۱۷؛ ج ۲، ص ۲۶۸. ابوبکر الجوهری، ۳۲۳؛ ص ۴۶، ج ۶۰؛ ابن ابی الحدید المعتزلی، ۱۳۷۸؛ ج ۱، ص ۲۱۹، ج ۱۸۱، ج ۶، صص ۱۱-۱۲؛ ابن قتیبه الدینوری، ۲۷۶؛ ج ۱، ص ۱۸؛ المجلسی، ۱۴۰۳؛ ج ۲۸، ص ۱۸۵. الطبری، ۱۹۷۹؛ ج ۴، ص ۲۰۹؛ ابن سعد، ۱۴۰۵؛ ج ۳، ص ۲۸۲.

شتافت، و یار و یاورشان زیاد خواهد شد. (رضی، ۱۳۶۶؛ صص ۲۵۷-۲۵۸).
 با خلافت عثمان، بنی امیه، دشمن دیرینه‌ی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اسلام در همه جا امور را در دست گرفت، و حکومت و قدرت را قبضه کرد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲؛ ص ۱۱۸). امام علی علیه السلام در مورد عملکرد خودخواهانه‌ی عثمان می‌فرماید:

«تا سوّمین به مقصود رسید و همچون چارپا بتاخت، و خود را در کشتزار مسلمانان انداخت، و پیاپی دو پهلو را آکنده کرد و تهی ساخت. خویشاوندانش با او ایستادند، و بیت المال را خوردند و بریاد دادند. چون شتر که مهار برد، و گیاه بهاران چرد،- چندان اسراف ورزید- که کار به دست و پایش بیچید و پر خوری به خواری، و خواری به نگوئساری کشید؛» (نهج البلاغه، خطبه ۳)

۱-۲- تأثیر تحولات نادرست فرهنگی، بر اخلاق اجتماعی مسلمین

پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، گردانندگان سقیفه بستری را در جامعه مهیا کردند، و با بهره‌گیری از آن، تغییر و تحولات اساسی را در فرهنگ اسلامی و فرهنگ نبوی ایجاد نمودند. آنها خوب می‌دانستند که تنها با دور کردن مسلمانان از فرهنگ اسلامی و انسانی، می‌توانند بر مسلمین حکومت کنند. به همین سبب تلاش بسیاری در جهت فراموش کردن فرهنگ نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) نمودند، و گذشت زمان نیز به عمیق‌تر شدن این تحولات کمک شایانی کرد و فاصله‌ی مسلمانان را با فرهنگ اسلامی بیشتر نمود.

۱-۲-۱- احیای تعصب‌های جاهلانه

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تلاشی شایان در جهت دگرگونی نظام قبیله‌ای و خوی‌های قوم‌گرایی انجام داد. عملکرد ایشان در جهت جایگزینی حق و عدل بر اندیشه‌ی قوم‌گرا و قبیله‌پرستی بود. اما در جریان‌هایی که پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بر جامعه حاکم شد، حق و عدالت در برابر پیوندهای جاهلی کنار گذاشته شد، و تعصب‌های قبیله‌ای، عاملی جهت هموار کردن مسیر خلافت گشت. گروهی با بهره‌گیری از تعصبات قبیله‌ای، خود را جهت رسیدن به قدرت و خلافت آماده‌ی می‌کردند. (دلشاد تهرانی،

جریان سقیفه محصول این رویکرد است. چرا که تنها انگیزه‌ی انتخاب در آن روز، درگیری و نزاع بر پایه‌ی تعصبات قبیله‌ای بود. (علایلی، ۱۳۷۴؛ ج ۲، ص ۵۳).

امعان نظر در سخنان امام علیه السلام گویای این مطلب است که نزد ایشان دگرگونی ارزش‌ها و بازگشت به فرهنگ جاهلیت از نتایج وقایع پیش آمده در دوران خلفای سه گانه است که یکی از مهم‌ترین نمودهای آن احیای تعصبات جاهلی بود. عصبیت جاهلی نه تنها مسیر را برای رسیدن شیوخ سقیفه به موفقیت هموار کرد، بلکه به مرور زمان در میان عموم مردم دوباره احیا گشت، و زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات و مقابله‌ها در حکومت عدالت‌محور امام علی علیه السلام شد.

۱-۲-۲- گسترش بی‌بصیرتی و بی‌خردی

ظاهرینی و بی‌بصیرتی مردمان از جمله عوامل موثر در برپایی حکومت‌های ظلم‌گرا است. زیرا تنها با این ابزار است که حاکمان می‌توانند خواسته‌های خویش را به راحتی به پیش برند. روابط و مناسباتی که در سقیفه رخ داد تا حد زیادی بر این بی‌خردی دامن زد، و گرایش به دینداری ظاهرگرایانه را در مردم ایجاد نمود. در این شرایط خلفا سفارش بسیاری به برپایی اعمال عبادی داشتند، اما هیچ تلاشی در جهت فهم عمیق مردم از روح شریعت و اصل دین نکردند. اعمال نامشروع در جامعه توسط حاکمان با پوششی دینی انجام می‌شد. از آنجا که مردم عادت به اطاعت کورکورانه کرده بودند، با سکوتی جاهلانه کار را برای آنها تسهیل می‌کردند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲؛ ص ۱۵۶). امام علی علیه السلام خطاب به مردمان چنین می‌فرماید:

«همچون بدخویان جاهلیت مباشید، که نه در دین فهمی دارند، و نه شناسای کردگارند، - به صورت انسان، و درون پست‌تر از جانوران-. همانند تخمی در گودالی به ریگستان، که شتر مرغ نهد در آن، اگر بشکنندش گناه است، و اگر نهندش، بود که درونش ماری سیاه است»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶).

خلیفه‌ی دوم نه تنها اختیارات خود را در حدود روابط سیاسی و اجتماعی به‌عنوان یک

۱. جهت شرح بیشتر مطلب نک به: ابوبکر الجوهری، ۳۲۳؛ صص ۵۸-۶۰ ص ۳۷؛ ابن ابی الحدید المعتزلی، ۱۳۷۸؛ ج ۶، صص ۹-۱۲، ج ۲، ص ۴۴؛ المجلسی، ۱۴۰۳؛ ج ۲۸، ص ۱۸۵. الطبری، ۱۹۷۹؛ ج ۳، ص ۲۰۹؛ ابن الاثیر، ۱۳۸۵؛ ج ۲، ص ۳۲۶. ۵۳.

حاکم بسیار گسترده می‌دید، که در امور دینی و تشریح نیز حق ویژه برای خویش قائل بود. او در دوره‌ی خلافت خود، با اتکا به همین اختیارات به بدعت آفرینی پرداخت، و در این راه خود را مقید به چیزی جز شناخت خویش از قرآن و شرع نمی‌دانست. در مواردی نیز که خود را عاجز می‌دانست با رایزنی و مشورت صحابه امور را به پیش می‌برد، و نوعاً اجتهادهای شخصی او بر اساس (مصلح) مورد نظرش صورت می‌گرفت. (جعفریان، ۱۳۷۴؛ ج ۲، صص ۸۰-۸۳). از آن جمله می‌توان به مواردی همچون متعه‌ی حج و متعه‌ی نساء که از مشهورترین امور شرعی‌اند، اشاره کرد. (ابن شبه النمری، ۱۴۰۰؛ ج ۱، صص ۷۱۶-۷۲۰).

روش خلیفه دوم سبب شد در آینده نیز کسانی از صحابه با وجود قرآن و سنت، صرفاً بر اساس (مصلحت‌گرایی) احکامی مطرح کنند. (برای مثال عثمان بن عفان بر خلاف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و حتی خلفای قبل از خود، نمازش را در منی، تمام خواند و زمانی که با اعتراض صحابه از جمله امیرالمؤمنین علیه السلام مواجهه شد، گفت: «مصلحت دیدم چنین کنم و رأی من چنین است.» (النویری، ۱۴۰۵؛ ج ۵، ص ۳۹).

این عملکردها مردم را رفته رفته از اصل اسلام و سیره‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دور ساخت، و به پیشینه‌ی فرهنگ جاهلی خویش بازگرداند. در شرایط پیش آمده، مردم به جای بهره‌مندی از عقل و درایت خویش، چشم به دهان شیخ قبیله و بزرگ خاندان داشتند تا ببینند که آنها چه تصمیمی برایشان خواهند گرفت. امام علی علیه السلام در نقد تحولات پس از دوران پیامبر می‌فرماید:

«و چون خدا فرستاده خود را نزد خویش برد، گروهی به گذشته برگردیدند، و با پیمودن راه‌های گوناگون به گمراهی رسیدند، و به دوستانی که خود گزیدند پیوستند، و از خویشاوند گسستند. از وسایلی که به دوستی آن مأمور بودند جدا افتادند، و بنیان را از بن برافکندند، و در جای دیگر بنا نهادند؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰).
امام علی علیه السلام در این خطبه به بی‌بصیرتی مردم در ماجرای سقیفه اشاره می‌کند.

۱-۲-۳- تاثیر گذاری سیاست و تربیت عصر خلیفه‌ی دوم، بر رشد خشونت‌ورزی و

ظاهر بینی خوارج

سیاست پیش گرفته در دوران خلفا، به ویژه در دوره‌ی خلافت عمر بن خطاب، که سیاستی

مبتنی بر خشونت، خودمحوری و ارباب را پیش گرفته بود، جامعه‌ی اسلامی را دچار آسیب‌های فرهنگی کرد. (برای مشاهده نمونه‌های تاریخی نک: (ابن الطقطقی، ۷۰۹؛ ص ۱۰۶)).

عمر در اجرای سیاست‌های فرهنگی نیز نهایت خشونت را به خرج می‌داد، چنان‌که به صحرانشینان قرآن می‌آموخت، سپس شخصی را برای امتحان آنان می‌فرستاد، و اگر اشکالی در یادگیری داشتند آنها را کتک می‌زد، و گاه در تنبیه آنها زیاده‌روی می‌کرد. (زیدان، ۱۹۱۴؛ ج ۱۶، ص ۵۸). او به گونه‌ای در یادگیری قرآن اصرار داشت که موجب سالانه ۲۰۰۰ درهم را به کسانی که قرآن آموخته بودند، می‌داد. (هیندز، ۱۳۸۱؛ ص ۱۵). اینچنین عدم توازن در صدور فرمان‌ها و تصمیم‌گیری‌هایش زیاد به چشم می‌خورد. (نک به: ابن ابی الحدید المعزلی، ۱۳۷۸؛ ج ۱، ص ۱۸۱). چنانچه حضرت علی علیه السلام در تحلیلی از دوران حکومت خلیفه‌ی دوم می‌فرماید:

«سپس آن را به راهی در آورد ناهموار، پر آسیب و جان آزار، که رونده در آن هر دم به سر در آید، و پی در پی پوزش خواهد، و از ورطه به در نیاید. سواری را مانست که بر بارگیر توسن نشیند، اگر مهارش بکشد، بینی آن آسیب بیند، و اگر رها کند سرنگون افتد و بمیرد. به خدا که مردم چونان گرفتار شدند که کسی بر اسب سرکش نشیند، و آن چارپا به پهنای راه رود و راه راست را نبیند»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۳).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این بیان آسیب‌های مخربی را که خلیفه‌ی دوم با عملکردش بر جامعه‌ی مسلمین وارد ساخته بیان می‌کند. زیرا این دوره‌ی تاریخی، تأثیر به‌سزایی در تقویت روحیات خوارچ داشت. سخت‌گیری و خشونت عمر در رابطه با آنچه که خود، احکام دین می‌دانست، باعث شد، خوارچ بعدها علاقه و وابستگی خاصی به دوران عمر داشته باشند، و این علاقه را بارها ابراز کنند. رفتار خشن عمر در جریان بیعت گرفتن برای ابوبکر نیز به شدت عمل نمایان گشت. (ابن ابی الحدید المعزلی، ۱۳۷۸؛ ج ۲، ص ۱۷۴).

خوارچ هنگامی که امام علی علیه السلام به سمت نهروان حرکت کرد، از مذاکره با او سر باز زدند و شرط غیرممکنی را پیشنهاد کردند که طبق آن، در صورتی از امام علی علیه السلام پیروی خواهند کرد، که او همچون عمر با آنها رفتار کند. (البلاذری، ۲۷۹؛ ج ۱، ص ۳۹۶). یکی از خوارچ در پاسخ به قیس بن سعد عباده می‌گوید: حق برای ما آشکار است، ما هرگز تابع آنها نیستیم، تا اینکه همچون عمر کسی را بیاورید. (همان، ج ۲، ص ۳۷۱؛ الدینوری، ۱۹۶۰؛ ص ۲۰۷).

گرچه خوارج به گفته‌ی برخی مورخین اولین بار در دوران جاهلیت به وجود آمده بودند، (ناجی، ۱۳۹۳، ج ۱۶) اما خشنونت رفتاری، سخت‌گیری‌ها، اجرای عدالت ظاهری با شیوه‌های نامعقول خلیفه دوم، سبب تقویت افکار و عقاید افراطی آنان گردید. (خاکرند، ۱۳۷۲؛ ص ۳۹).

۱-۳-۳- تاثیر تحولات نادرست اقتصادی، بر اخلاق اجتماعی مسلمین

وقایع پیش آمده در دوران بیست و پنج ساله‌ی قبل از حکومت امیرمؤمنان علیه السلام، تحولات بسیاری را در مسائل اقتصادی جامعه‌ی اسلامی به وجود آورد. که در طی آن، عده‌ای به مقامات عالی دولتی و مال‌های بی‌حساب دست یافتند؛ در مقابل افرادی به فقر و گرسنگی دچار شدند. این آسیب اجتماعی، علیرغم تلاش‌های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در رفع اختلاف طبقاتی، فضایی به وجود آورد که فاصله‌ی طبقاتی دوباره در جامعه حاکم شود.

۱-۳-۱- بی‌عدالتی منشأ پیدایش نظام طبقاتی

توزیع ناعادلانه‌ی بیت‌المال و ایجاد فاصله‌ی طبقاتی میان مردم یکی دیگر از تحولاتی بود که در عصر خلفا به ویژه خلیفه‌ی سوم رخ داد، و آسیب جدی را به همراه داشت. در اثر این سیاست، گروهی به انواع امتیازات و امکانات کلان دست یافتند، و جمع بسیاری در تنگنا و محرومیت همه جانبه قرار گرفتند. این در صورتی بود که در زمان حیات حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، هر کس با هر نژاد و خاندان و هر موقعیتی ایمانی و اجتماعی که داشت بهره‌ای یکسان از بیت‌المال داشت. این روش تقسیم بیت‌المال تا زمان خلیفه‌ی اول به همین منوال گذشت. اما در زمان خلیفه‌ی دوم با گسترش فتوحات، درآمدهای بسیاری به بیت‌المال مسلمین سرازیر گشت، و به جهت زیادی درآمدها، توزیع آن با مشکلاتی همراه گشت، و خلیفه برای رفع این مشکل تصمیم ناعادلانه‌ای گرفت. که طبق آن قرار شد، برای مردم دیوان (دفتر حقوق بگیران) فراهم کند، و بر اساس آن برای مهاجران پنج هزار، برای انصار چهار هزار و برای زنان پیامبر دوازده هزار دینار مقرر گرداند. که این تصمیم‌گیری اولین اقدام جهت بر هم خوردن تقسیم سرانه‌ی بیت‌المال به مساوات، بود، و بهانه‌ای شد تا سنت عادلانه‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کنار گذاشته شود، و نظامی تبعیض آمیز به وجود آید. بعد از خلیفه‌ی دوم، عثمان نیز این رویه را پیش گرفت، و تا آنجا که می‌توانست

دارایی‌های عمومی را به یغما برد، و در نهایت، بی‌عدالتی همه جا را فراگرفت. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲؛ صص ۱۵۰-۱۶۶. به نقل از (ابن ابراهیم، ۱۳۹۹؛ ص ۴۵. ابن سلمه، ۱۴۱۶؛ ج ۳، ص ۳۰۵)).

از عملکرد خلیفه‌ی سوم اینچنین برداشت می‌شود که او بیت‌المال مسلمین را، خزانه‌ی شخصی خویش می‌دانست، و به خود اجازه می‌داد هر طور که می‌خواهد، آن را میان اقوام و خویشانش تقسیم کند. همین سیاست نادرست او سبب شد، تا امور مسلمین به دست گروهی سپرده شود که به هیچ روی صلاحیت و توانایی اداره‌ی امور را نداشتند، و به دلیل نداشتن تعلقات دینی و انگیزه‌ی خدمت‌گزاری، از هر گونه دخل و تصرفی در بیت‌المال مسلمین ابا نداشتند. آنها به مردم به چشم بندگان خود می‌نگریستند، و با این ادعا که ما نمایندگان خدا هستیم، به خود اجازه‌ی هرگونه دست‌درازی را به اموال مسلمین می‌دادند. (الطبری، ۱۹۷۹؛ ج ۴، ص ۲۸۳؛ ابن الاثیر، ۱۳۸۵؛ ج ۳، ص ۱۱۴؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸؛ ج ۲، صص ۵۸۷-۵۸۸). در راستای این عملکرد عثمان، حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید:

«تا سومیان به مقصود رسیدند... خویشاوندانش با او ایستادند، و بیت‌المال را خوردند و برباد دادند. چون شتر که مهار برد، و گیاه بهاران چرد»؛ (نهج‌البلاغه، خطبه ۳).

بذل و بخشش‌های خلیفه‌ی سوم در تمام دوران حکومتش ادامه داشت. نمونه‌ی بارز آن زمانی بود که عثمان، حکم بن عاص را برای جمع‌آوری زکات یکی از قبیله‌های بزرگ فرستاد، و او با مالی بالغ بر سیصد هزار درهم بازگشت، و خلیفه همه‌ی آن مال را به او بخشید.^۱

آنچه که امام علی علیه السلام را در این شرایط به اقدام و داشت، بی‌عدالتی‌هایی بود که در اثر آن، بخش عظیمی از جامعه‌ی اسلامی در محرومیت فرو رفت، و همین امر یکی از دلایل اصلی پذیرش حکومت از جانب ایشان گردید. چنانکه فرمود:

«اگر خدا علما را نفرموده بود تا ستمکار شکمباره را برنتابند و به یاری گرسنگان ستم‌دیده بشتابند، رشته این کار را از دست می‌گذاشتم و پایانش را چون آغازش می‌انگاشتم»؛ (نهج‌البلاغه، خطبه ۳).

۱. البلاذری، ۱۴۱۷؛ ج ۶، صص ۱۳۳-۱۳۷؛ جهت یافتن نمونه‌های تاریخی دیگر نک به: (ابن ابی‌الحدید المعتزلی، ۱۳۷۸؛ ج ۳، ص ۳۵؛ ج ۱، ص ۱۹۹؛ الیعقوبی، ۲۸۴؛ ج ۲، ص ۱۶۶؛ البیهقی، ۴۵۸؛ ج ۶، ص ۳۰۱. ابن الاثیر، ۱۳۸۵؛ ج ۲، ص ۲۴۹. ابن قتیبه‌الدینوری، ۱۴۱۵؛ ص ۱۹۴؛ ابو‌هلال عسکری، ۱۴۰۷؛ ص ۱۲۷).

سخنان امام علی علیه السلام به خوبی تصویرگر اوضاع نابسامان اقتصادی آن روزگار است. به این ترتیب که، نه تنها گسترش فتوحات و افزایش بیت‌المال مسلمین در جهت عمران و آبادی سرزمین‌های اسلامی به کار گرفته نشد، بلکه با توزیع ناعادلانه‌ی آن در دست گروه‌های خاص، اسباب آسایش بیش از حد عده‌ای و نیز توطئه و فساد همین افراد در جامعه اسلامی فراهم گشت. (العلایی، ۱۹۹۴؛ ص ۲۱).

۱-۳-۲- اعتبار بخشی به اشرافیت مادی

ماجرای سقیفه، با این اعلام ابوبکر که رئیس مسلمانان باید از قریش باشد، نقطه‌ی آغازین اشرافیت مادی بود. در ادامه نیز عمر با تبعیت از این قوم‌گرایی، اموال بیشتری از بیت‌المال به آنها اختصاص داد، و عاملی شد تا اصل مساوات از بین برود، و اشرافیت مادی با اشرافیت معنوی با هم آمیخته گردد، تا آنجا که در پایان خلافت عثمان، قریش نه تنها از جهت تصدی مقامات مهم دولتی بر غیر قریش برتری داشتند، بلکه مقدمات برتری نژادی نیز فراهم شد. (شهیدی، ۱۳۵۸؛ ص ۵۶). گذشته از تبعیضی که عمر در تقسیم بیت‌المال ایجاد کرد، فتوحات خارجی نیز در دوران او، عاملی شد تا فرصت تربیت دینی از مسلمین گرفته شود، و روحیه‌ی خشن و بیابانی آنها تداوم بخشد. تعجیل در کشورگشایی قبل از آموزش نظامی و نیز تماس مسلمانان با غیر مسلمانان عاملی شد در جهت دست خوردن اعتقادات پاک مسلمانان، و نیز باعث شد تا دین در حد انجام آداب و رسوم شناخته شود، و اعتقاد محکم و استواری نسبت به حقیقت آن وجود نداشته باشد. البته خلفا از این ضعف اعتقادی مردم مطلع بودند، ولی هیچ تلاشی در جهت بهبود آن نکردند، و تنها برخی خواص، چون ابوذر و معاذ بن جبل بودند، که به تربیت دینی مردم را همت گماشتند. (خاکرند، ۱۳۷۲؛ ص ۲۸. به نقل از (العلایی، ۱۹۹۴؛ ص ۱۸۴)).

عثمان فرمانی در رابطه با فیه داد که بر اساس آن، عده‌ای از مسلمانان که شاهد جنگ‌های قادسیه و مدائن بودند، و نیز کسانی که بعداً در مدینه ماندند، و به عراق هجرت نکردند، آزاد بودند تا سهم خود از اراضی نزدیک مدینه را به صوافی عراق منتقل کنند. در نتیجه‌ی این طرح، طلحه، مروان، اشعث و افرادی از قبائل که در عراق بودند، در عوض اراضی که در دیگر نقاط داشتند، مناطق قابل توجهی از آنچه که در این زمان صرافای عراق محسوب می‌شد، به

دست آوردند. (همان؛ صص ۵۲-۵۳). همچنین در زمان او بسیاری از صحابه ملک‌ها و خانه‌هایی به دست آوردند که در آن زمان معروف بود از جمله: طلحه و زبیر و عبدالرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص خانه‌هایی در بصره، کوفه، مصر، و اسکندریه ساختند که معروف بود. (المسعودی، ۳۴۶؛ ج ۲، ص ۳۴۳). این بی‌عدالتی‌های اقتصادی توقعات نابجای بسیاری را در برخی از سران و بزرگان به وجود آورد، و آسیب‌های اخلاقی بسیاری را به حکومت اسلامی تحمیل کرد، که با به حکومت رسیدن حضرت امیر علیه السلام جلوی گسترش و شیوع بیش از پیش آن گرفته شد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه‌ای به تحلیل نظام اقتصادی ظالمانه به وجود آمده در این دوره می‌پردازد:

«شما در روزگاری هستید که خوبی در آن پشت کرده و همچنان می‌رود، ویدی روی آورده و پیش می‌دود. و طمع شیطان در تباه کردن مردمان بیشتر می‌شود. این روزگاری است که ساز و ساخت شیطان قوی‌تر گردیده، و فریب و بد سگالی او فراگیرتر گشته، و شکار وی در دسترس قرار گرفته. گوشه چشم به هر سو که خواهی به مردم بینکن! آیا جز مستمندی بینی با فقر دست به گریبان، یا دولتمندی با نعمت خدا در کفران، یا آن که دست بخشش ندارد، و ندادن حق خدا را افزونی مال به حساب آرد، یا سرکشی که - از سخن حق روگردان است -، گویی گوش او از شنیدن موعظت‌ها گران است»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹).

این تعبیرات صریح و آشکار امام، نشان می‌دهد، هنگامی که حاکمان و کسانی که در رأس قرار دارند، فاسد شوند، فساد فراگیر خواهد شد، و این امر زمینه‌ساز انحراف مردم از مسیر اصلی به سمت و سوی دین‌گریزی و توجه به ظواهر دین خواهد گردید.

نتایج

- ۱) یکی از دلایل اصلی انحراف اجتماعی در دوران حکومت امام علی علیه السلام، بدعت‌هایی بود که در ماجرای سقیفه و عملکرد خلفای سه‌گانه بروز یافت.
- ۲) این بدعت‌ها در سه حوزه‌ی سیاست، اقتصاد، و فرهنگ آسیب‌هایی سخت را بر جامعه

تحمیل نمود.

۳) در عرصه سیاست آداب و رسوم و مناسباتی در جامعه رسمیت یافت که پیشتر در فرهنگ ترویج شده توسط پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) مردود و قبیح شناخته شده بود. اصلی‌ترین خصیصه تبدیل حکومت از الگوی ایزاری به هدف بود، که معضلات بسیاری ناشی از این طرز تفکر رخ نمود.

۴) در عرصه‌ی فرهنگ اقدام‌های صورت گرفته باعث احیای تعصبات جاهلی، و گسترش بی بصیرتی و بی‌خردی در جامعه گشت؛ و در مجموع ریشه‌ی مشکلات عدیده‌ای در حکومت عدل محور و اصلاح‌گر امام علی (علیه‌السلام) شد.

۵) در عرصه اقتصاد عملکرد مجموعی خلفا، جامعه اسلامی را به سمت و سوی ظلم و بی‌عدالتی کشاند؛ و در اثر آن فضایی جهت ایجاد فاصله‌ی طبقاتی و اشرافیت در جامعه به وجود آمد.

منابع

- ابن الاثير، عزّالدين أبو الحسن على ابن محمد، الكامل في التاريخ، بيروت: دار صادر. ۱۳۸۵
- ابن ابى الحديد المعتزلى، عزّالدين عبدالحميد بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، بتحقيق محمد ابوافضل ابراهيم، مصر: دار احياء الكتب العربية. ۱۳۷۸
- ابن خلدون، أبو زيد عبد الرحمان بن محمد، تاريخ ابن خلدون (ديوان مبتدأ و الخبر في التاريخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوى الشأن الاكبر)، تحقيق خليل شماده، و سهيل زكار، بيروت: دارالفكر. ۱۴۰۸
- ابن سعد، أبو عبدالله محمد، الطبقات الكبرى، بيروت: دار بيروت للطباعة و النشر. ۱۴۰۵
- ابن شبه النميرى، أبو زيد عمر، تاريخ المدينة المنورة، حققه فهمي محمد شلتوت، بيروت: دار التراث. ۱۴۰۰
- ابن قتيبه الدينورى، أبو محمد عبدالله بن مسلم، المعارف، تحقيق ثروة عكاشة، قم: افست منشورات الرضى. ۱۴۱۵
- _____ " (۲۷۶)، الامامة و السياسة، تحقيق طه محمد الزينى، بيروت: دار المعرفة. ۲۷۶
- أبوبكر الجوهري، احمد بن عبدالعزيز، السقيفة و فدك، رواية عزالدين عبدالحميد هبه الله بن ابى الحديد المعتزلى، تقديم و جمع و تحقيق محمد هادى الامينى، طهران: مكتبة نينوى الحديثية. ۳۲۳
- ابو هلال العسكري، الحسن بن عبدالله بن سهل، الاوائل، بيروت: دارالكتب العلمية. ۱۴۰۷
- البلاذرى، أبو الحسن أحمد بن يحيى، أنساب الاشراف، بيروت: دارالفكر. ۱۴۱۷
- البيهقى، أبوبكر احمد بن الحسين (۴۵۸)، السنن الكبرى، بيروت: دارالمعرفة. ۴۵۸
- جعفرىان، رسول، تاريخ سياسى اسلام، تاريخ خلفا (از رحلت پیامبر (ص) تا زوال امويان)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى. ۱۳۷۴
- خاكرند، شكرالله، علل شكل گيرى خوارج، سازمان تبليغات اسلامى، بى جا، ۱۳۷۲
- دلشاد تهرانى، مصطفى، لوح بينايى، تحليل تاريخ حكومت امام على عليه السلام با تأكيد بر نهج البلاغه، تهران، انتشارات دريا، ۱۳۹۲
- الدينورى، ابوحنيفة احمد بن داوود، الاخبار الطوال، تحقيق عبد المنعم عامر، القاهرة، دار احياء كتب العربية، ۱۹۶۰

- زیدان، جرجی، تاریخ التمدن الاسلامی، بیروت، دارالمکتبه الحیاه، ۱۹۱۴
- السیدالرضی، ابوالحسن محمدبن حسین، نهج البلاغه، بیروت، ضبط نصه و ابتکر فهارسه العلمیه صبحی صالح، ۱۳۸۷
- شری، محمدجواد، امیرالمونین علیه السلام اسوهی وحدت، (ترجمه محمد رضا عطایی)، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۶
- شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۴۸
- ----، پژوهشی تازه پیرامون قیام امام حسین علیه السلام انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸
- الطبری، ابوجعفر محمدبن جریر، تاریخ الطبری (تاریخ الرسل و الملوک)، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، القاهره، دارالمعارف، ۱۹۷۹
- العالیلی، عبدالله، تاریخ الحسین علیه السلام نقد و تحلیل، بیروت، دارالحدید، ۱۹۹۴
- -----، برترین هدف در برترین نهاد، نقد و تحلیل تاریخ امام حسین علیه السلام، ترجمه سید محمد مهدی جعفری، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴
- المجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لعلوم الائمه الاطهار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳
- المسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، بیروت، دارالاندلس، ۳۴۶
- مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان، پیام امام امیرالمونین علیه السلام، شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، بی جا، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰
- ناجی، محمد، خوارج، مقاله دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۳.
- النویری، احمدبن عبدالوهاب، نهاییه الارب فی فنون الادب، القاهره، دارالکتب النصریه، ۱۴۰۵
- هیندز، مارتین، ریشه یابی جریان های سیاسی کوفه در نیمه نخست قرن اول هجری، (ترجمه محمد علی رنجبر)، مقاله ی فصلنامه تاریخ اسلام، ۱۳۸۱.
- الیعقوبی، احمدبن ابی یعقوب بن جعفر بن واضح، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دارصادر، ۲۸۴